

قوانین و مقررات و محیط کسب و کار: ماهیت و اثر پروژه سهولت کسب و کار بانک جهانی^۱

مترجمان:

الیزابت سلطانی شیرازی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

elss_1357@yahoo.com

امین نوری کوچی

دانشجو دکتری اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز

aminnouri2@gmail.com

امروزه، عملکرد سیستم‌های قانونی و منظم در ایجاد بازارهای اقتصادی تأثیرگذار به طرز وسیعی پذیرفته شده است. یکی از پروژه‌های مهم که عملکرد محیط کسب و کار کشورها را در سطح جهان بررسی می‌کند پروژه کسب و کار بانک جهانی است که از سال ۲۰۰۲ شروع شده است. این پروژه داده‌های کمی را به منظور مقایسه قوانین و مقرراتی که بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای مختلف در طول زمان با آن مواجه اند، جمع‌آوری می‌کند. مهم‌ترین بخش پروژه، گزارش سالیانه کسب و کار است. اولین گزارش منتشر شده در سال ۲۰۰۳ با مجموعه‌ای از پنج شاخص برای ۱۳۳ کشور منتشر شد و گزارش اخیر آن با ۱۱ شاخص برای ۱۸۹ کشور منتشر شده است. این گزارش دربرگیرنده جداگانه‌ای است که هر کشور را طبق امتیازش در شاخص‌های موردبررسی رتبه‌بندی کرده است. بر این اساس پروژه کسب و کار تبدیل به منبعی مهم برای دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و سیاست‌گذاران شده است. همچنین این پروژه با سالانه نزدیک به ده میلیون بازخورد در وبسایت بانک جهانی، از موقعیت برجسته‌ای در بین عموم برخوردار است. با چنین توجهی از سوی کاربران جای تعجب نیست که گزارش کسب و کار مورد بررسی‌های دقیق قرار گیرد. در این مقاله در ابتدا چگونگی انجام پروژه کسب و کار با توجه به تعدادی از یافته‌های کلیدی در گزارش ۲۰۱۵ شرح داده خواهد شد و سپس نکات مهم در ارتباط با این پروژه، انتقادهای وارد بر آن و پاره‌ای مسائل سیاسی-اقتصادی مرتبط با پروژه بیان خواهد شد.

واژگان کلیدی: محیط کسب و کار، پروژه سهولت محیط کسب و کار، قوانین و مقررات.

۱. این مقاله ترجمه مقاله ذیل است:

Timothy Besley, (2015), "Law, Regulation, and the Business Climate: The Nature and Influence of the World Bank Doing Business Project", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 29, No. 3, Summer 2015, Pp. 99-120.

۱. مقدمه:

محیط‌های کسب و کار همراه با ضوابط قانونی ضعیف و ناکارآمد اقتصاد را از طریق اثرات سوئی که بر اشتغال، تولید، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و استانداردهای زندگی می‌گذارند تحت تأثیر قرار می‌دهد. اما شیوه اندازه‌گیری و تمایز قائل شدن در محیط کسب و کار بین کشورهای مختلف دشوار است. آیا بهتر است به روی چند شاخص خاص متمرکز شود یا چندین شاخص را در نظر گرفت؟ آیا شاخص‌های انتخابی می‌توانند میان کشورها و در طول زمان مقایسه شوند؟ چنین داده‌هایی در زمان وقوع اصلاحات سیاسی و اقتصادی به موقع به‌روزرسانی شده‌اند؟

پروژه مهمی که سعی می‌کند وضعیت محیط کسب و کار کشورها را در سطح دنیا مورد بررسی قرار دهد، پروژه کسب و کار بانک جهانی است که در سال ۲۰۰۲ کلید خورده است. اصلی‌ترین کار این پروژه جمع‌آوری داده‌های کمی به منظور مقایسه مقرراتی است که بنگاه‌های کوچک و متوسط در اقتصاد و در طول زمان با آن مواجه‌اند. محور این پروژه، گزارش کسب و کار جهانی است که اولین بار در سال ۲۰۰۳ با مجموعه‌ای از پنج شاخص برای ۱۳۳ کشور منتشر شد و در حال حاضر دربرگیرنده ۱۱ مجموعه شاخص برای ۱۸۹ کشور است. این گزارش دربرگیرنده جداگانه‌ای است که در آن کشورها بر اساس رتبه‌های موجود در شاخص‌ها طبقه‌بندی شده‌اند.

پروژه کسب و کار تبدیل به منبعی مهم برای دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران و سیاست‌گذاران شده است و این پروژه با ده میلیون بازدید سالیانه از وب‌سایتش، از وجهه عمومی خوبی برخوردار بوده که آن را به یکی از منابع آماری مهم ایجادشده به دست بانک جهانی تبدیل کرده است. زمانی که نارندرا مودی^۱ نخست‌وزیر هند شد، صریحاً قصد داشت که در رتبه‌بندی، جایگاه پنجاهم را به عنوان یک هدف برای دولتش تعیین کند که این به معنای بهبود تقریباً صد پله‌ای در مقایسه با آخرین رتبه در نظر گرفته شده برای کشور هند بود (بورکل، ۲۰۱۵). در سال ۲۰۱۲ رئیس‌جمهور روسیه، ولادیمیر پوتین، مجموعه‌ای از اهداف را برای رسیدن رتبه کسب و کار این کشور به جایگاه بیستم تا سال ۲۰۱۸ وضع کرد (آدلجا، ۲۰۱۲). بسیاری از کشورها به منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی، علاقه مند به بهبود رتبه‌های جهانی خود هستند، چرا که جذب سرمایه‌گذار سبب پیشبرد استراتژی

1. NarendraModi
2. Buerkle

صادراتی یک دولت است. برای مثال، دولت انگلستان در ارزیابی فضای کسب و کار خود به طور برجسته‌ای به رتبه ۴۳ پرو در «سهولت کسب و کار» اشاره می‌کند (تجارت و سرمایه‌گذاری انگلستان ۲۰۱۴). در حال حاضر اهمیت پروژه جهانی کسب و کار از یک منبع داده و ابزار پژوهشی فراتر رفته، به طوری که نقش مهمی را در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ایفا می‌کند.

گزارش سهولت کسب و کار بانک جهانی از همان ابتدا اقتصاددان‌ها و قشر دانشگاهی را در طراحی شاخص‌ها و استفاده از نتایج تحقیقات و پژوهش‌ها هدایت کرده است. در شرایط کلی، این گزارش بازتابی از جریان فکری اقتصاد توسعه را نشان می‌دهد. از این رو، در حال حاضر صحبت از استراتژی توسعه و چگونگی حمایت بخش دولتی از این استراتژی امری عادی است (بزلی و پرسون^۱، ۲۰۱۱؛ عاجم‌وعلی^۲ و رایینسون^۳، ۲۰۱۲).

گزارش سهولت کسب و کار اقدام به جمع‌آوری آمار در زمینه‌هایی نموده که پیش از این اطلاعات اندکی در موردشان موجود بوده، بنابراین جای تعجب نیست که محققان دانشگاهی و تحلیلگران سیاسی داده‌های مذکور را مبنا قرار می‌دهند. از سال ۲۰۰۳، بیش از ۲۰۰۰ مقاله تحقیقاتی در مجله‌های علمی - پژوهشی با بهره‌گیری از این داده‌ها به چاپ رسیده است؛ همچنین بیش از ۵۰۰۰ گزارش تحقیقی به همین شکل به صورت آنلاین منتشر شده است.

با چنین بازخوردی، عجیب نیست که گزارش کسب و کار مورد بررسی‌های دقیق قرار گرفته است. در سال ۲۰۱۲ حسب پیگیری اعضا، کمیسیون بانک جهانی به منظور ارزیابی این پروژه اقدام به انجام بررسی‌های جدیدی کرد و نویسنده مقاله در این بررسی‌ها شرکت داشته است (مراجعه کنید به وبسایت: <http://www.dbrpanel.org>). به طور کلی گزارش کسب و کار به واسطه روش جمع‌آوری داده‌ها و این مسئله که آیا گزارش نشان‌دهنده محیط کسب و کار و قوانین ناظر بر آن است، مورد انتقاد بوده است. این نگرانی وجود دارد که شاخص‌های ارائه شده سبب مقاومت در برابر مقررات زدایی می‌شود یا خیر. شاخص مقررات ناظر بر بازار کار، گرچه در حال حاضر از مجموعه‌ی شاخص‌های مورد استفاده برای تعیین رتبه‌بندی کل حذف شده، همواره بخشی از نگرانی اصلی است. همچنین توجه خاصی بر این مسئله معطوف شده است که آیا جمع‌آوری رتبه‌بندی‌های

1. Persson
2. Acemoglu
3. Robinson

مجزا در یک رتبه بندی کلی صحیح است؟ در این خصوص این نوع رتبه بندی مورد مخالفت تعدادی از کشورها قرار گرفته است.

البته در کنار مشخصه‌های داده‌های گزارش کسب و کار، نگرانی‌های معمولی درباره استفاده از داده‌هایی وجود دارد که در تحقیقات تجربی اقتصاد وارد شده‌اند. برخی محققان داده‌ها را به عنوان متغیر مستقل استفاده می‌کنند تا نتایج مورد نظر خود را بیان کنند. دیگر محققان داده‌ها را به عنوان متغیر وابسته استفاده کرده‌اند تا این سؤال را مطرح کنند چگونه امور سیاسی و مؤسسات، فضای کسب و کار را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در تمام موارد، نگرانی‌های عمده از بابت تأثیراتی است که نتایج حاصل از این مطالعات بر محیط کسب و کار می‌گذارد. همچنین نگرانی دیگری از بابت الگوبرداری از شاخص‌های گزارش کسب و کار وجود دارد. از آنجا که بسیاری از محققان «شواهد تجربی» را با ضرایب به دست آمده در رگرسیون معادل می‌دانند، این تفکر ممکن است منجر به ایجاد رتبه بندی مفهومی جدیدی شود که در تئوری‌های اقتصادی مورد استفاده قرار گیرد.

در بخش دیگری از این مقاله، چگونگی انجام پروژه کسب و کار بیان شده و شیوه اجرایی آن با استفاده از یافته‌های کلیدی گزارش ۲۰۱۵ نشان داده می‌شود. پیش از اینکه مقاله وارد بحث‌های انتقادی این پروژه شود، نکات ارزشمندی در مورد این پروژه بیان خواهد شد. سپس به کمک گزارش‌ها، مسائل گسترده‌تری از اقتصاد سیاسی مطرح خواهد شد.

پیام اصلی مقاله این است که با وجود تمامی عیوب، جمع‌آوری داده‌هایی که پروژه کسب و کار آن‌ها را به عهده گرفته، بخشی جدایی‌ناپذیر از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی است. شاخص‌ها سعی دارند به ویژگی‌هایی از اوضاع سیاسی برسند که بسیاری از اقتصاددان‌ها بر سر حیات بودنش برای پیشرفت اقتصاد بحث دارند، اما در عین حال هیچ داده بین‌المللی قابل مقایسه‌ای پیش از این موجود نبوده است. پروژه کسب و کار، با جهان‌بینی خاصی که دارد، تأثیر ایده‌های اقتصادی را در مجموعه‌ای از داده‌ها نشان می‌دهد.

۲. نحوه انجام پروژه کسب و کار

بهتر است که با شناختی کامل از چگونگی روند انجام پروژه کسب و کار بحث شروع شود. جمع آوری داده از طریق پایش مؤسسات قانونی با پاسخ به حدود ۱۰ هزار پرسشنامه که به وسیله کشورهای شرکت کننده پاسخ داده می شود، انجام می گیرد. داده ها از پرسشنامه ای که ۱۱ شاخص خاص را مدنظر دارند، جمع آوری شده اند:

- شروع کسب و کار: تعداد مراحل، زمان، هزینه و حداقل سرمایه مورد نیاز برای شروع کسب و کاری تازه را می سنجد.
- اخذ مجوزهای ساخت و ساز: تعداد مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز برای ساخت انبار فرضی را ارزیابی می کند.
- دسترسی به برق: تعداد مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز را برای کسب و کاری که قصد به اتصال دائمی به شبکه برای انباری فرضی تازه تأسیس داشته باشد، اندازه می گیرد.
- ثبت مالکیت: تعداد مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز برای ثبت مالکیت املاک و مستغلات تجاری است.
- اخذ اعتبار: میزان قدرت شاخص حقوق قانونی را ارزیابی می کند. این شاخص ناظر بر حمایت قوانین مربوط به ضمانت و بازپرداخت وام است که از حقوق وام گیرندگان و وام دهندگان محافظت می کند. همچنین این شاخص میزان شفافیت اطلاعات اعتباری را مورد بررسی قرار می دهد.
- حمایت از سرمایه گذاران خرد: این شاخص میزان ارائه اطلاعات و پاسخ گویی مدیر و سهولت شکایت سهام دار را ارزیابی می کند.
- پرداخت مالیات: تعداد مالیات های پرداخت شده، تعداد ساعت های صرف شده برای بازپرداخت مالیات در سال و کل مالیات قابل پرداخت از سود ناخالص بنگاه را ارزیابی می کند.
- تجارت فرامرزی: تعداد اسناد، هزینه و زمان مورد نیاز برای صادرات و واردات کالا را ارزیابی می کند.

- الزام آور بودن اجرای قراردادها: مراحل، زمان و هزینه مورد نیاز را برای اجرایی شدن قراردادهای بدهی اندازه گیری می کند.
- ورشکستگی و پرداخت دیون: زمان، هزینه و نرخ بازگشت دیون در مواجهه با ورشکستگی را نشان می دهد.
- استخدام کارگران: دشواری استخدام، شاخص دشواری اخراج، شاخص انعطاف ناپذیری ساعت کار را ارزیابی می کند. این شاخص در حال حاضر در رتبه بندی های کل مورد استفاده قرار نمی گیرد.

تا جایی که ممکن باشد، داده ها بر اساس بررسی قوانین و مقررات تنظیم شده جمع آوری می شود. برخی ارزیابی ها، ذهنی هستند و شیوه اجرایی کردن قانون را به نمایش می گذارد. برای مثال، تعداد مراحل شروع یک کسب و کار می تواند با بررسی قوانین مشخص شود. در پرسشنامه ها در خصوص مراحل شروع کسب و کار، قوانین موجود مدنظر نیست و آنچه اهمیت دارد میزان واقعی آن چیزی است که به طور معمول در این فرایند رخ داده است.

شاخص ها قرار است میان کشورها قابل قیاس باشند، به این صورت که با تجزیه و تحلیل داده ها در یک بنگاه فرضی تعیین شده و با شرایط خاص انجام می شود. به این صورت که مورد مطالعه اصلی، مؤسسه ای با حداقل ۶۰ کارمند است که در بزرگ ترین شهر تجاری کشور واقع شده و شرکتی خصوصی با مسئولیت محدود که در منطقه ویژه اقتصادی، شهرک صنعتی و یا منطقه آزاد تجاری با وجود مزایای خاص فعالیت می کند، نیست. صد در صد مالکیت این شرکت بومی بوده و بیش از ده درصد از تولیدات شرکت صادر می شود.

با در نظر گرفتن این فرضیه، به همراه جزئیات موجود مقایسه ممکن می شود. اهمیت شرکت های با مسئولیت محدود از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است و مسئله مورد بحث این است که شاخص ها در تمامی بخش های اقتصادی و انواع بنگاه ها چه مقدار به یکدیگر وابسته هستند. برای مثال، یافته ها در بخش کشاورزی، که یکی از بخش های بزرگ اقتصاد در بسیاری از کشورها با درآمد پایین است، صدق نمی کنند (در حقیقت، در حال حاضر تیم کسب و کار پروژه ای مجزا را برای بخش کشاورزی شروع کرده است).

پس از دریافت پاسخ‌های پایش، تیمی داخلی در بانک جهانی پاسخ‌ها را با قوانین و مقررات مربوطه مطابقت می‌دهد. پس از رایزنی‌های داخلی، برای هر شاخص نمره خاصی در نظر گرفته می‌شود. نتیجه اینکه داده‌های خام به شکل مجزا در وب‌سایت در دسترس است. انتقاد منصفانه وارد شده این است که روش پردازش پرسشنامه‌ها برای کسب امتیاز پایانی کاملاً روشن و شفاف نیست؛ اما در پروژه کسب و کار امری طبیعی است که روش شفافی وجود نداشته باشد که به وسیله آن بتوان از این پایش اطلاعات معناداری به دست آورد و این بحث مطرح می‌شود که اگر داده‌های اصلی به طور گسترده در دسترس باشند، در برخی کشورها ممکن است میزان صحت پاسخ‌ها زیر سؤال برود.

برای هر ۱۱ شاخص موجود در داده‌ها، با گرفتن میانگین غیروزنی امتیازی حاصل می‌شود که به رتبه‌بندی فرعی در چارچوب ۱۱ شاخص ختم می‌شود. برای کسب رتبه‌بندی کل در کسب و کار، این گزارش برای هر کشور به ازای هر ده عنوان، درصدی محاسبه کرده است (بدون در نظر گرفتن شاخص استخدام کارگران). این درصدها جمع‌بندی شده‌اند تا رتبه‌بندی سهولت کسب و کار به دست بیاید. این رتبه‌بندی‌ها، رتبه‌بندی‌هایی برجسته هستند که در پوشش رسانه‌ای توجه زیادی را به خود جلب می‌کنند.

در حال حاضر گزارش کسب و کار فاصله تا اقتصاد پیشرو را به منظور مشخص کردن تفاوت کشورها با بهترین کشور به لحاظ عملکرد مشخص می‌کند. مبنای این روش، بهترین عملکرد مشاهده‌شده در تک‌تک شاخص‌های کسب و کار در تمامی اقتصادها و از سال ۲۰۰۵ است. امتیاز در مقیاسی بین ۰ تا ۱۰۰ قرار گرفته است. امتیاز کامل ۱۰۰، به این معناست که اقتصاد در تک‌تک ۱۰ شاخص موجود در رتبه‌بندی در مرز واقع شده و بهترین عملکرد را داشته باشد. برای مثال امتیاز ۷۵، نشان می‌دهد که اقتصاد ۲۵ درصد از اقتصاد پیشرو فاصله دارد.

جدول ۱. فاصله از امتیاز اقتصاد پیشرو بر اساس گزارش کسب و کار سال ۲۰۱۵

ده رتبه برتر	کشور	فاصله از مرز امتیاز	ده رتبه‌ی آخر	کشور	فاصله از مرز امتیاز
۱	سنگاپور	۸۸,۲۷	۱۸۰	هاییتی	۴۲,۱۸
۲	نیوزیلند	۸۶,۹۱	۱۸۱	آنگولا	۴۱,۸۵
۳	هنگ کنگ	۸۴,۹۷	۱۸۲	ونزوئلا	۴۱,۴۱
۴	دانمارک	۸۴,۲۰	۱۸۳	افغانستان	۴۱,۱۶
۵	کره جنوبی	۸۳,۴۰	۱۸۴	جمهوری دموکراتیک کنگو	۴۰,۶۰
۶	نروژ	۸۲,۴۰	۱۸۵	چاد	۳۷,۲۵
۷	ایالات متحده آمریکا	۸۱,۹۸	۱۸۶	سودان جنوبی	۳۵,۷۲
۸	بریتانیا	۸۰,۹۶	۱۸۷	جمهوری آفریقای مرکزی	۳۴,۴۷
۹	فنلاند	۸۰,۳۳	۱۸۸	لیبی	۳۳,۳۵
۱۰	استرالیا	۸۰,۶۰	۱۸۹	اریتره	۳۳,۱۶

مأخذ: بانک جهانی، گزارش ۲۰۱۵ کسب و کار (<http://www.doingbusiness.org/reports/global-reports/doing-business-2015>).
 یادداشت: امتیاز فاصله از اقتصاد پیشرو محاسبه شده با بهترین عملکرد مشاهده شده در هر شاخص کسب و کار در تمامی اقتصادها و سال‌ها از سال ۲۰۰۵ مرتبط است. امتیازی کامل از ۱۰۰ نیازمند این است که اقتصاد در تک تک ۱۰ جنبه وارد شده در رتبه‌بندی در مرز باشد. صفر نشان دهنده کمترین عملکرد است. ۱۰۰ منهای امتیاز فاصله از مرکز، فاصله از اقتصاد پیشرو را نشان می‌دهد. به‌طور مثال امتیاز ۷۵ نشان‌دهنده این است که اقتصاد ۲۵ درصد از اقتصاد پیشرو دور است. برای اطلاعات بیشتر به سایت <http://www.doingbusiness.org/data/distance-to-frontier> مراجعه کنید.

نتایج کلی بر اساس گزارش کسب و کار سال ۲۰۱۵ در جدول ۱ نشان داده شده که ده کشور برتر و ده کشور آخر را به همراه فاصله از امتیاز مرز طبقه‌بندی کرده است. جای تعجبی وجود ندارد که سه کشور از اسکاندیناوی در رده ده کشور برتر هستند. چند کشور از آفریقا همراه با هاییتی، لیبی و افغانستان در رده ده کشور آخر قرار گرفته‌اند. رتبه‌بندی کلی و فاصله از امتیاز مرز کشورهای نوظهور چین است: برزیل (۱۲۰، ۵۸، ۰۱)، روسیه (۶۲، ۶۶، ۶۶)، هند (۱۴۲، ۵۳، ۹۷)، چین (۹۰، ۶۲، ۵۸).

هر گزارش کسب و کار، به صورت مکرر اصلاح می‌شود. برای مثال، بین ژوئن ۲۰۱۳ و ژوئن ۲۰۱۴، گزارش ۲۳۰ اصلاح داشته و بیشترین اصلاحات برای آفریقا اعمال شده است. در سال‌های اخیر جمع‌آوری شاخص‌های محلی به منظور نمایش بهتر میزان ناهمگنی در برخی کشورها انجام

شده است. برای مثال، در گزارش سال ۲۰۱۵ برای ۱۱ کشور بنگلادش، برزیل، چین، هند، اندونزی، ژاپن، مکزیک، نیجریه، پاکستان، روسیه و ایالات متحده آمریکا، شاخص های محیط کسب و کار در دو شهر مورد ارزیابی قرار گرفته اند.

شاخص های اصلی تفاوت هایی چشمگیر را در سراسر کشورها نشان می دهد. برای مثال بر اساس شاخص شروع کسب و کار، تعداد روزهایی که برای شروع کسب و کار نیاز است، در ونزوئلا ۱۴۴ روز، در زیمباوه ۹۰ روز، در آرژانتین ۲۵ روز و در سنگاپور ۲/۵ روز است. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده، نوسانات درون کشورها در مقایسه با نوسانات بین کشورها کوچک تر است. رتبه بندی های موجود، شاخص های مختلف کسب و کار با رتبه کلی کسب و کار دارای همبستگی مثبت رتبه ای اسپیرمن ($0.73 < \rho < 0.76$) هستند. برای مثال، رتبه چین برای قراردادهای لازم الاجرا ۳۵ است اما برای شروع کسب و کار رتبه ی ۱۲۸ را دارد، در حالی که برای کشور مصر عکس این حالت وجود دارد، به طوری که دارای رتبه ۱۵۲ در قراردادهای لازم الاجرا و ۷۳ در شروع کسب و کار است. چنین تفاوت هایی نشان می دهد که نباید صرفاً به رتبه کل توجه کرد، بلکه باید به تک تک زیر شاخص ها توجه شود.

به طور کلی، رتبه بندی کشور در گزارش کسب و کار با اقدامات موفقیت آمیز توسعه ای همبستگی مثبت دارد، درست همان طور که با درآمد سرانه و کیفیت نهادها همبستگی مثبت دارد؛ اما این مسئله جهت علیت را نشان نمی دهد. در عوض، به احتمال زیاد مشابه چیزی است که در بزلی و پیرسون (۲۰۱۱) به آن «خوشه بندی توسعه یافتگی»^۱ اطلاق می شود. این نوع خوشه بندی بیشتر ابعاد توسعه را به یکدیگر ربط می دهد. اگر پروژه کسب و کار برای اندازه گیری کیفیت نهادها و رفاه مناسب است به این دلیل است که هر یک از شاخص ها ارزش بررسی جزء به جزء را دارند.

۳. اهمیت پایش کسب و کار

پروژه کسب و کار چشم اندازی منحصر به فرد فراهم آورده است. اما به منظور استفاده از داده های کسب و کار در مدل های اقتصادی کاربران و محققان باید از چگونگی روش استخراج آن ها مطلع باشند. این داده ها کاملاً منحصر به فرد بوده و هیچ پروژه ای در این مقیاس و وسعت وجود ندارد.

از این رو، گزارش کسب و کار این قابلیت را دارد تا ابعاد سیاست‌گذاری‌هایی را روشن سازد که در مجموعه داده‌های پیشین وجود نداشته است. رئیس فعلی اقتصادی بانک جهانی، کائوشیک باسو^۱، در یادداشت خود برای نسخه گزارش ۲۰۱۵ اظهار داشت:

مباحث مربوط به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تمرکزش را به طور کامل بر روی تدابیر مالی، تداخل پولی، برنامه‌های رفاهی و دیگر ابزارهای کاملاً رایج دولت گذاشته است. از این رو، هنگامی که اقتصادی ضعیف عمل می‌کند، کلیه مباحث بر روی این مسئله متمرکز می‌شود که به محرک مالی نیاز دارد یا خیر، آیا میزان نقدینگی باید کم یا زیاد شود؟ برنامه‌های رفاهی زیاده از حد مصرف‌گرا هستند یا کمتر از حد لازم و دیگر مسائلی از این دست.

نکته‌ای که کمتر به آن توجه می‌شود در حالی که اهمیتی یکسان در موفقیت یا شکست یک اقتصاد دارد، پیچ و مهره‌هایی است که اقتصاد را به یکدیگر متصل نگه می‌دارد و همچنین چارچوبی که زمینه‌ساز اقتصاد است. گزارش کسب و کار گروه بانک جهانی، گزارشی سالانه از وضعیت پیچ و مهره‌های اقتصاد در سراسر جهان است و به همین سبب این گزارش خلاصه‌ای از مهم‌ترین اطلاعات تجزیه و تحلیل شده بر مبنای اثربخشی و عملکرد یک اقتصاد و توسعه مستمر آن است.

پیش از پروژه کسب و کار، معدود افرادی درباره ابعاد فراوان محیط کسب و کار شناخت کافی داشته‌اند. برای مثال، بسیاری از کشورها اطلاعات مربوط به مدت زمان لازم برای ورود به یک کسب و کار لازم را در اختیار نداشتند، چه رسد به اینکه چنین اطلاعاتی را به شیوه‌ای که بتواند در سطح بین‌المللی مقایسه شود به وجود آورند. سایر دستاوردهای مهم پروژه کسب و کار در زمینه‌های اخذ اعتبار و ثبت مالکیت تفاوت‌های بین کشورها را به‌طور شفاف مشخص کرده است.

جدای از این مسئله که پایش کسب و کار چگونه انجام می‌شود، نکته مهم این است که پروژه دارای چارچوب شفاف است. شاخص‌های کسب و کار به صورت سالانه به‌روز می‌شود. در صورت ایجاد اصلاحات در قوانینی خاص، اصلاحات مذکور در گزارش‌ها آتی بازتاب داده می‌شود. این ویژگی هم برای محققان و هم برای سیاست‌گذارانی که می‌توانند ببینند که تلاش‌های اصلاحی‌شان سریعاً تفسیر و مستقیم وارد شاخص می‌شود، مورد توجه است. روش‌سازی که در کل پروژه دنبال شده سبب می‌شود سطح عملکرد کشورها در طول زمان قابل پیگیری باشد. گزارش

1. KaushikBasu

کسب و کار پروژه‌ای زنده است که با تلاش‌های مداوم برای بهبود روش و توسعه بخشی به دامنه شاخص‌ها، به دنبال استفاده از انتقادات است. توضیحات کامل در مورد روش‌های استفاده شده به همراه داده‌های سال‌های گذشته در وبسایت قرار دارد. هرگاه شاخص‌ها تغییر می‌کنند، به‌دقت سعی می‌شود علاوه بر توضیح چگونگی تغییرات، قابل قیاس بودن نتایج حفظ شود. با این رویکرد می‌توان پایگاه‌های آماری مورد توجه اقتصاددانان را مقایسه کرد؛ برای مثال در خصوص پایگاه بین‌المللی ریسک کشور^۱ که در آن داده‌های سری زمانی استخراج می‌شود، به دلیل تغییر روش محاسبه داده‌ها، این داده‌ها قابلیت مقایسه خود را از دست داده‌اند. پروژه کسب و کار با این محدودیت‌ها مواجه نیست. برای مثال جدول ۲,۳ در گزارش سال ۲۰۱۵، انجام پروژه کسب و کار با در نظر گرفتن مؤسسه رسمی استاندارد در بزرگ‌ترین شهر کشور و با نظرسنجی از وکلای نشان می‌دهد.

هرچند که آمار ارائه‌شده در گزارش کسب و کار واضح و شفاف است، اما نباید تصور کرد که این ارقام ترکیب سیاستی صحیحی را برای اقتصاد ارائه می‌دهند. وجود گزارشی حاوی اطلاعات کلان اقتصادی در کنار گزارش کسب و کار به درک بهتر وضعیت کمک می‌کند. محاسبه کسری بودجه به تنهایی بهترین روش برای اخذ مالیات و نحوه مخارج را ارائه نمی‌کند. به علاوه، جزئیات انواع خاص مالیات و مخارج و چگونگی اجرایشان می‌تواند مهم باشد. این بدین معنی است که هیچ‌کس نمی‌خواهد سیاست مالی را بدون سنجش موقعیت بودجه‌ای موجود انجام دهد. همچنین، داده‌های قابل قیاس در مقیاس بین‌المللی که از روش‌های رایج برای سنجش استفاده می‌کنند، در اتخاذ سیاست مفید هستند و صرفاً داده‌های کاربردی هستند.

در این راستا، پرسش اصلی مطرح‌شده این است که آیا داده‌های کسب و کار اطلاعاتی مفید برای اتخاذ سیاست‌هایی که محیط کسب و کار حقیقی را مدنظر دارند فراهم می‌آورد یا خیر؟ سیاست‌گذاران در کشورهایی نظیر چین، برزیل یا مصر علاقه‌مند هستند از رویکرد قوانین و مقررات حاکم بر محیط کسب و کار در کشورهایی نظیر سنگاپور یا سوئد آگاهی داشته باشند تا اینکه بخواهند قوانین و مقررات کسب و کار در این کشورها را کورکورانه اتخاذ و دنبال کنند.

رتبه‌بندی‌های کسب‌وکار پایه و اساسی برای اتخاذ سیاست‌های مرتبط با بهبود محیط کسب‌وکار هستند.

به علاوه، داده‌های کسب‌وکار کمک ارزشمندی به مباحث دموکراسی کرده‌اند، به این صورت که برای شهروندان و سیاست‌گذاران هر کشوری که بخواهند از عملکرد کشورشان آگاه شوند و به دنبال این جواب باشند که آیا این عملکرد قابل توجیه است یا نه، قابل دانلود و خواندن است. به‌طور کلی، این گزارش می‌تواند به‌عنوان «معیار رقابت» میان دولت‌ها در نظر گرفته شود. به بیان دیگر، شهروندان از اطلاعاتی که از طریق رسانه‌ها در دسترس باشد استفاده می‌کنند تا با مقایسه عملکرد هر دولت، آن دولت را پایبند به تعهداتش نگه دارند (بزلی و کیس، ۱۹۹۵؛ سالمون^۱، ۱۹۸۷). درنهایت، اگر مقایسه کسب‌وکار در برخی شاخص‌ها مفید واقع نشود، می‌توان آن شاخص را در نظر نگرفت و هیچ کشور یا سیاستمدار یا شهروندی مجبور به در نظر گرفتن این شاخص نیست.

فشارهای بین‌المللی زمانی ایجاد می‌شود که کمک‌ها یا وام‌های بین‌المللی مشروط به وضعیت شاخص‌های کسب‌وکار و اتخاذ سیاستی برای بهبود آن‌ها باشد. این مسئله به مباحثی گسترده‌تر گره می‌خورد، مباحثی درباره اینکه آیا کمک یا شرایط کمک در کل توهینی به حاکمیت ملی است یا نه (برای تشریح مطلب مراجعه کنید به ایسترلی^۲، ۲۰۱۳) و این موضوع مختص پروژه کسب‌وکار نیست.

بانک جهانی نقشی محرز در ارتباط با داده‌ها و آمار دارد و با ابتکارهای خلاقانه بانک جهانی اکنون این داده‌ها آزادانه‌تر در دسترس قرار دارد. این تلاش‌های صورت گرفته توسط بانک جهانی مهر تأییدی بر نقش کلیدی داده‌ها در توسعه مباحث است. نمونه‌های خوب ابتکارهای حمایت‌شده از سوی بانک جهانی، گزارش‌ها پایش سطح زندگی و پایش بنگاه‌های بانک جهانی است. مجموعه این داده‌ها برای شهروندان و جامعه مدنی قابل دسترسی است، حتی اگر برخی از یافته‌ها در بعضی موارد با پررنگ کردن شکست‌های سیاستی، موجب شرمندگی دولت یک کشور شود.

1. Salmon
2. Easterly

حتی مباحث مرتبط با صحت اعتبار شاخص‌های کسب و کار (که در بخش بعدی مورد بحث قرار می‌گیرد) به سودمندی پروژه اشاره می‌کنند. گذشته از این، بدون وجود پروژه، چنین بحث‌هایی تنها بر پایه حدس و گمان‌های ناآگاهانه بنا می‌شود. به‌عنوان مجموعه‌ای واحد، مهم‌ترین دستاورد پروژه کسب و کار روشن ساختن و ایجاد بحثی آگاهانه‌تر در مورد تفاوت‌های قانون و مقررات در کشورهای مختلف است. این در حالی است که پیش از انجام پروژه کسب و کار این موارد به‌صورت قاعده‌مند شناخته نشده بودند.

۴. انتقادات وارد شده به پروژه کسب و کار

نگرانی‌ها بابت استفاده از داده‌های کسب و کار و شاخص‌هایی که داده‌ها بر اساس آن‌ها شکل گرفته، به سه دسته‌ی اصلی تقسیم می‌شوند: (۱) روشی که پروژه انجام می‌شود، شامل معیایی است که به ماهیت روش انجام پروژه وارد شده؛ (۲) اعتبار شاخص‌ها به‌منظور اتخاذ سیاست یا بررسی نتایج به‌دست آمده و (۳) اهداف اصولی و انگیزه‌های کسانی که شاخص‌ها را طراحی کرده‌اند. بهتر است هر کدام را جداگانه مورد بررسی قرار گیرد.

۴-۱. انتقادات وارده به ماهیت پروژه

گزارش کسب و کار متمرکز بر روی نیازهای رسمی و قانونی است و توسط متخصصان قانون در آن کشور ارزیابی می‌شود. داده‌ها با در نظر گرفتن نوع خاصی از مؤسسه تجاری جمع‌آوری شده‌اند. پس انتظار نداریم که داده‌ها با تجربه تمام مؤسسه‌ها در اقتصاد مرتبط باشد.

در اینجا مصالحه‌ای رخ می‌دهد. در یک سو، با توجه به تفاوت‌هایی که در ساختار صنعتی و نوع مؤسسات تجاری در کشورهای مختلف وجود دارد، ایده مؤسسه‌ای استاندارد شده برای مقایسه‌های بین‌المللی الزامی است، حتی اگر نتایج به‌دست آمده نشان‌دهنده وضعیت کسب و کار وسیع‌تر در بخش‌های مختلف اقتصادی نباشد. از سوی دیگر، محدوده‌ای که برای مؤسسه استاندارد شده در نظر گرفته شده، نشان می‌دهد که در حالت کلی مؤسسات مختلف در محیط کسب و کار غیرشفاف قرار دارند. برای مثال، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی به‌صورت غیررسمی است که باعث می‌شود در خوش‌بینانه‌ترین

حالت نقش قوانین و روندهای قانونی مبهم باشد. برای مثال، اشنايدر^۱ (۲۰۰۲) تخمین زده است که به طور میانگین فعالیت اقتصادی رسمی در کشورهای موجود در نمونه در حدود ۶۷ درصد است، در حالی که در کشورهای کمتر توسعه یافته، حدود ۴۹ درصد از فعالیت‌های اقتصادی رسمی است.

یافته‌ای مهم در گزارش کسب و کار این است که کشورهای با رتبه بالاتر متمایلند بخش‌های غیررسمی کمتری داشته باشند. این الگو نشان می‌دهد که با بهبود قوانین و مقررات حاکم بر محیط کسب و کار، تمایل مؤسسات به فعالیت‌های رسمی افزایش می‌یابد. البته ممکن است شاخص‌های کسب و کار این بینش و آگاهی را بدهند که چرا برخی از مؤسسات رسمی انگیزه خود را برای ادامه فعالیت از دست داده‌اند. در حقیقت، در مورد پروژه کسب و کار این باور ضمنی وجود دارد که ممکن است باعث گسترش بنگاه‌های رسمی و قانونی شود و زمینه را برای افزایش اشتغال و کاهش فقر فراهم آورد. اما به دلایل متعددی این موضوع که شرایط محیط کسب و کار چگونه بر انتخاب مؤسسات بین فعالیت رسمی یا غیررسمی تأثیرگذار است، ممکن است مهم تر از این باشد که چگونه این قوانین رفتار بخش رسمی را به تنهایی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بنگاه‌ها محیط کسب و کار را متفاوت از یکدیگر تجربه می‌کنند. پایش سطح بنگاه در مقیاس بین‌المللی توسط گزارش پایش بنگاه‌های بانک جهانی انجام می‌شود (در وبسایت <http://www.enterprisesurveys.org/>)، که مکمل پروژه کسب و کار برای بررسی قوانین و مقررات است. در پایش بنگاه‌ها طیف وسیعی از بنگاه‌ها پایش می‌شوند، در حالی که شاخص‌های پروژه کسب و کار نوع مؤسسه استاندارد شده را مدنظر قرار داده‌اند. به طور مثال نیمی از مؤسسات در پایش بنگاه‌ها به صورت خصوصی مدیریت می‌شوند. شرکت‌های با مسئولیت محدود، و تناسب در داده‌ها در هر کشور به صورت چشمگیری نوسان پیدا می‌کند. انجام چنین بررسی‌های دقیقی گران تمام می‌شود و نمی‌تواند به صورت سالیانه برای محدوده وسیعی از کشورها اجرا شود. اما می‌توانند پرسش‌هایی کاربردی درباره تجاری که مؤسسات در مواجهه با دولت داشته‌اند ارائه دهند و به نوبه خود این تجارب را با سنجش عملکرد سطح مؤسسه مرتبط سازند.

جدول شماره ۲ نحوه همبستگی پرسش‌هایی خاص در ارتباط با پایش بنگاه‌ها با پرسش‌های مشابه در گزارش کسب و کار را توضیح می‌دهد. این جدول نشان می‌دهد که این همبستگی‌ها مثبت

1. Schneider

یا منفی هستند و اگر به صورت آماری در سطح ۵ درصد معنادار باشند، ستاره‌دار می‌شوند. پرسش پایش بنگاه به کاررفته در تمام رگسیون‌ها، در شروع هر پنل ارائه شده است. سپس شاخص‌های کسب و کاری که با پرسش‌های پایش بنگاه‌ها مطابقت داشته‌اند لیست می‌شوند. در ادامه، علامت همبستگی هر شاخص با تولید ناخالص داخلی با در نظر گرفتن متغیر مجازی شرطی که مشخص کننده سال است، آورده شده است. ستون اول به همبستگی‌های شرطی در تمامی مؤسسات می‌پردازد. دیگر ستون‌ها این مسئله را بررسی می‌کنند که آیا این همبستگی‌ها برای آن دسته از مؤسسات موجود در نمونه (که شباهت بیشتری نسبت به مؤسساتی دارند که در پروژه کسب و کار مدنظر قرار گرفته و با تغییر در اندازه بنگاه متنوع شده‌اند) قوی‌تر است یا خیر؟ آیا مؤسسه، کسب و کاری با مسئولیت محدود است؟ و آیا مؤسسه در پایتخت واقع شده است؟

جدول ۲. همبستگی پرسش‌های مرتبط با پایش بنگاه‌ها با پرسش‌های گزارش کسب و کار

ساختار قانونی: با مسئولیت محدود؟	مؤسسات موجود در پایتخت		اندازه مؤسسات (تعداد کارکنان W)				تمام مؤسسات	
	بله	خیر	کوچک: $w \leq 20$	متوسط: $20 < w \leq 100$	بزرگ: $w > 100$	بله		
								پرسش پایش بنگاه: بزرگ‌ترین مانع برای مؤسسه، در تأمین مالی؟ {خیر: ۰-، بله: ۱}
	+	+	+	-	+	+	+	قدرت حقوق قانونی
	-	-	-	-	-	-	-	اطلاعات اعتباری
	+	+	+	+	+	+	+	پوشش ثبت اطلاعات اعتباری
	+	+	+	+	+	+	+	موضوع کسب و کار: افراد در بخش دولتی، % از جمعیت
	-	-	-	+	+	-	-	پوشش ثبت اطلاعات اعتباری
	-	-	-	+	+	-	-	افراد در بخش خصوصی، % از جمعیت

ادامه جدول ۲. همبستگی پرسش‌های مرتبط با پایش بنگاه‌ها با پرسش‌های گزارش کسب و کار

موضوع	اندازه مؤسسات (تعداد کارکنان W)							
	تمام مؤسسات	کوچک: $w \leq 20$	متوسط: $20 < w \leq 100$	بزرگ: $w > 100$	بله	خیر	بله	خیر
پرسش پایش بنگاه: میزان تأثیرگذاری مانع برای دسترسی به منابع؟ {بالا تر: موانع جدی تر}	-	-	-	-	-	-	-	-
قدرت حقوق قانونی	-	-	-	-	-	-	-	-
اطلاعات اعتباری	(*)-	(*)-	(*)-	(*)-	-	-	(*)	(*)
پوشش ثبت اطلاعات اعتباری	+	+	+	+	-	-	+	+
موضوع کسب و کار: افراد در بخش دولتی، % از جمعیت	+	+	+	+	-	-	+	+
پوشش ثبت اطلاعات اعتباری	+	+	+	+	+	+	+	+
موضوع کسب و کار: افراد در بخش خصوصی، % از جمعیت	+	+	+	+	+	+	+	+
پرسش پایش بنگاه: بزرگ‌ترین مانع برای مؤسسه، قوانین تجاری هستند؟ {خیر: ۰- بله: ۱}	(*)+	(*)+	(*)+	(*)+	+	+	(*)+	(*)+
موضوع کسب و کار: تعداد مراحل	(*)+	(*)+	(*)+	(*)+	+	+	(*)+	(*)+
شروع (روز)	-	-	-	-	+	+	-	-
موضوع کسب و کار: حداقل سرمایه (درصدی از درآمد سرانه)	-	-	-	-	(*)-	(*)-	+	+
پرسش پایش بنگاه: بزرگ‌ترین مانع برای مؤسسه، دادگاه است؟ {خیر: ۰- بله: ۱}	+	+	+	+	-	-	+	+
موضوع کسب و کار: زمان (روز)	+	+	+	+	-	-	+	+
موضوع کسب و کار: هزینه (% از مطالبه)	-	-	-	-	-	-	+	+
الزام آور بودن	(*)-	(*)-	(*)-	(*)-	-	-	+	+
موضوع کسب و کار: الزام آور بودن	(*)-	(*)-	(*)-	(*)-	-	-	+	+
قراردادها	(*)-	(*)-	(*)-	(*)-	-	-	+	+
پرسش پایش بنگاه: چه مقدار از مانع، سیستم دادگاهی است؟ {بالا تر: موانع جدی تر}	+	+	+	+	+	+	+	+
موضوع کسب و کار: زمان (روز)	+	+	+	+	+	+	+	+
موضوع کسب و کار: الزام آور بودن	-	-	-	-	-	-	+	+
موضوع کسب و کار: هزینه (% از مطالبه)	-	-	-	-	-	-	+	+
قراردادها	-	-	-	-	-	-	+	+

ادامه جدول ۲. همبستگی پرسش‌های مرتبط با پایش بنگاه‌ها با پرسش‌های گزارش کسب و کار

موضوع کسب و کار:	تمام مؤسسات	کوچک: $w \leq 20$	اندازه مؤسسات (تعداد کارکنان W)		مؤسسات موجود در پایتخت		ساختار قانونی: با مسئولیت محدود؟	
			متوسط: $20 < w \leq 100$	بزرگ: $w > 100$	بله	خیر		
پرسش پایش بنگاه: آیا بزرگ‌ترین مانع برای مؤسسات، مقررات گمرک و تجارت است؟ {خیر: ۰- بله: ۱}								
اسناد برای صادرات (تعداد)	+	-	+	+	+	-	+	
زمان برای صادرات (روز)	+	+	+	+	+	+	+	
هزینه‌ی صادرات (دلار برای هر کانتینر)	-	(*)-	+	+	-	-	(*)-	موضوع کسب و کار:
اسناد برای واردات (تعداد)	-	-	(*)-	-	+	-	-	تجارت فرامرزی
زمان برای واردات (روز)	-	-	-	+	-	+	-	
هزینه‌ی واردات (دلار برای هر کانتینر)	+	(*)+	+	+	+	+	(*)+	
پرسش پایش بنگاه: چه مقدار از موانع، مقررات گمرک و تجارت است؟ {بالا تر: موانع جدی تر}								
اسناد برای صادرات (تعداد)	+	+	+	+	(*)+	+	+	
زمان برای صادرات (روز)	-	-	+	+	+	-	+	
هزینه‌ی صادرات (دلار برای هر کانتینر)	-	-	-	-	-	-	-	موضوع کسب و کار:
اسناد برای واردات (تعداد)	(*)-	(*)-	(*)-	-	(*)-	-	(*)-	تجارت فرامرزی
زمان برای واردات (روز)	+	+	+	+	+	+	+	
هزینه‌ی واردات (دلار برای هر کانتینر)	(*)-	(*)+	+	+	+	+	(*)+	

یادداشت جدول ۲: هر سطر از جدول که به صورت + یا - گزارش شده نشان دهنده نتایج رگرسیون بین کشوری میانگین

پاسخ به سؤالات در پایش بنگاه‌ها در مورد مجموعه‌ای از شاخص‌های منتخب گزارش کسب و کار است. نمونه انتخابی محدود به

بنگاه‌هایی است که در گزارش پایش بنگاه‌ها ارزیابی شده‌اند. در تمام رگرسیون‌ها اثرات ثابت مربوط به سال بوده و لگاریتم تولید

ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید و به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ است. مجموعه داده‌های پیشین گزارش کسب و کار برای سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ در وبسایت <http://www.doingbusiness.org/custom-query> در دسترس است، تمام اقتصادها که بر اساس مناطق مختلف و گروه‌های درآمدی دسته‌بندی می‌شوند را شامل آن می‌شود و تمام شاخص‌ها به جز دسترسی به برق و پرداخت مالیات انتخاب شده‌اند. در مجموعه داده‌ها، تمامی مشاهدات که به شکل «...» و «انجام نشده» گزارش شده‌اند، به عنوان مشاهدات از دست رفته در نظر گرفته شده‌اند. در نهایت، مجموعه‌ی داده‌ها شامل ۱۸۵۰ مشاهده کشور-سال هستند. داده‌های استاندارد گزارش پایش بنگاه‌های بانک جهانی از سال ۲۰۰۶ در پورتال پایش بنگاه‌ها در دسترس قرار گرفته است؛ آخرین نسخه از پایش بنگاه‌ها در آدرس: <http://www.enterprisesurveys.org/data/survey-datasets> قابل رؤیت است. در نهایت، مجموعه داده‌های خام مربوط به گزارش پایش بنگاه‌ها شامل ۷۰۶۲۴ مشاهدات مؤسسه-کشور-سال است. داده‌های تولید ناخالص داخلی سرانه (بر اساس برابری قدرت خرید) به قیمت ثابت سال ۲۰۰۵ از مجموعه داده‌های شاخص‌های توسعه جهانی در تاریخ ۲۶ آوریل ۲۰۱۳ در <http://databank.worldbank.org/data> استخراج شده است. برای جزئیات بیشتر، ضمیمه آنلاین همراه با این مقاله را در آدرس زیر ببینید: <http://e-jep.org>. علامت * نشان‌دهنده معناداری ضرایب رگرسیون در سطح ۹۵ درصد است.

تصویر نشان داده شده در جدول ۲ کاملاً ترکیبی از تعدادی از همبستگی‌هایی است که علی‌رغم داشتن علامت مورد انتظار معنی دار نیستند. این مسئله ابهام‌برانگیز است. برای مثال مثبت شدن همبستگی بین مراحل شروع کسب و کار در تمام مؤسسات نشان‌دهنده این است که مقررات بزرگ‌ترین مانع برای شروع کسب و کار است. در این خصوص، (هالوارد-دریمیر^۱ و پریچت^۲) نیز فقط همبستگی‌هایی ضعیف میان تغییرات زمانی روند تغییرات در پایش بنگاه‌ها در سطح مؤسسه و شاخص‌های کسب و کار پیدا کرده‌اند.

اینکه از این الگوها به چه نتیجه‌ای برسیم جای بحث دارد، پایش‌های سطح بنگاهی نسبت به پایش کسب و کار ناهمگنی اوضاع کسب و کار در یک کشور را بهتر نشان می‌دهد. گرچه لزوماً نتایج میانگین کشوری به دست آمده از پایش بنگاه‌ها نسبت به پروژه کسب و کار مناسب‌تر نیستند. با توجه به اینکه دیدگاه متخصصان قانون (وکلا) هنگامی که بنگاه‌ها تجربیاتی متفاوت را در مواجهه به قوانین و ساختار قانونی تجربه می‌کنند، می‌تواند راهگشا باشد. به علاوه، نتایج پایش بنگاه‌ها به دنبال این مطلب هستند تا ساختار صنعتی را آن طور که وجود دارد، نشان دهند و نمی‌توانند برای بررسی اینکه در نبود قوانین و مقررات دست و پاگیر چه تغییراتی ایجاد می‌شود، مورد استفاده قرار گیرند. بنا به تعریف ارائه شده، مؤسسه‌ای که به خاطر اوضاع ناسازگار کسب و کار قادر به شروع فعالیت

1. Hallward-Driemeier
2. Pritchett

نبوده‌اند، نمی‌توانند مورد بررسی قرار بگیرند. تفسیر بالقوه دیگر این است که تفاوت در قانون و نحوه اجرایی شدن قانون وجود دارد. درحالی که غیرممکن است بگوییم کدام یک از این عوامل ممکن است تأثیرگذار باشند، همبستگی ضعیف بین شاخص‌های گزارش کسب و کار و گزارش‌های پایش‌های بنگاه‌ها در نگاه اول نسبت به آنچه به نظر می‌رسد، تعجب‌آور نیست.

وکلایی که با قوانین پیچیده سروکار دارند، به خوبی واقف هستند که شاخص‌های گزارش کسب و کار نشان‌دهنده پیچیدگی‌های قوانین موجود نیستند. این انتقاد نشان‌دهنده‌ی این حقیقت است که پیچیدگی‌های سیستم قانونی بیان نمی‌شود. همان‌طور که پیش از این اشاره شده، پاسخ‌ها به پرسش‌های پایش کسب و کار در برخی موارد از پیش‌نیازهای قانونی لازم و آنچه در عمل برای کسب و کار رخ می‌دهد، است. به علاوه، تا اندازه‌ای روند درون‌سازمانی بانک جهانی برای دریافت داده‌ها شفاف نیست. این موضوع در واقع نشان‌دهنده اختلاف نظر بین اقتصاددان‌ها و وکلا است. ممکن است گاهی اقتصاددان‌ها به حق متهم شوند که بیش از حد خواهان ساده‌سازی و الگوسازی واقعیات برای انجام تجزیه و تحلیل هستند، اما برای به دست آوردن متغیرهای اقتصادی که ساده‌سازی شده باشند، ناگزیر به استفاده از میانبرها هستیم.

نام شاخص‌ها یا محتوایشان شاید در برخی موارد گمراه‌کننده باشند و بنابراین باید با دقت محتوای هر شاخص بررسی شود. برای مثال، یکی از شاخص‌ها پرداخت مالیات است که در داده‌های کسب و کار، تعدادی از مالیات‌های قابل پرداخت نماینده آن است؛ میزان ساعاتی که در سال شرکت مرجع برای آماده‌سازی اظهارنامه مالیاتی صرف می‌کند و کل مالیات قابل پرداخت توسط مؤسسه مرجع به عنوان سهمی از سود ناخالص نشان داده می‌شود. از لحاظ پرسش‌های گسترده موجود در مالیه عمومی (که سیستمی مالیاتی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که درآمدهای بودجه‌ای را بالا برده و در عین حال که از ایجاد بار غیرضروری بر دوش شهروندان کشوری جلوگیری می‌کند)، پروژه کسب و کار بر جنبه محدودی متمرکز شده و سایر جنبه‌ها را در نظر نگرفته است. برای مثال، دو چالش بزرگ مالیه عمومی برای بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر، اتخاذ مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد کارکنان مؤسسات مختلف است.

درواقع میانگین رتبه کسب و کار در شاخص پرداخت مالیات در کشورهایی که روش مالیات بر ارزش افزوده را برای اخذ مالیات مطرح کرده‌اند، بالاتر است: برای مثال، در داده‌های کسب و کار

سال ۲۰۰۶، میانگین رتبه کشورهای که مالیات بر ارزش افزوده دارند ۹۱ بوده است، در حالی که در کشورهای که از روش مالیات بر ارزش افزوده استفاده نمی‌کنند، این میانگین ۶۸ است. این در حالی است که ممکن است علت پایین تر بودن رتبه کسب و کار، داشتن مالیات بر ارزش افزوده نباشد و این موضوع نشان می‌دهد که برای داشتن یک نظام مالیاتی کارآمد به چیزی بیش از تسهیل در امور نیاز است. شاخص‌های کسب و کار بارهای تحمیل شده بر مؤسسات را می‌سنجد، اما هر منفعتی که با افزایش کارایی درآمد را افزایش دهد باید از طریق هزینه‌هایی که ایجاد می‌کند متعادل شود. البته نقایص این سنجش باید برای تمام کسانی که واقعاً آن را بررسی می‌کنند قابل رؤیت باشد.

ظاهراً نام‌گذاری شاخص اخذ اعتبار نیز به نوعی گمراه‌کننده است. فردی که بدون آگاهی لازم از این داده‌ها استفاده می‌کند، ممکن است تصور کند که داده‌ها به سنجش واقعی اعتبار اشاره دارند. در صورتی که اخذ اعتبار بر پایه شاخص حقوق قانونی است که بر اساس قوانین وثیقه و ورشکستگی و شفافیت اطلاعات اعتباری تعیین می‌شود. این شاخص با مجموعه‌ای از نتایج اخذ وام همبستگی دارد، اما میزان و تخصیص اعتبار را نشان نمی‌دهد. به ویژه این موضوع که این اعتبارات به بخش‌هایی با درآمد بالا تخصیص داده شده باشند. به علاوه، بسیاری از جنبه‌هایی که محیط بر اعتبار تأثیرگذار است، مثل رقابت‌پذیری سیستم مالی یا بررسی قوانین مالی را در بر نمی‌گیرد.

همچنین مهم است که بدانید شاخص‌های کسب و کار به هیچ وجه تصویری کامل از محیط کسب و کار ارائه نمی‌دهند. در حقیقت، به معنای حقیقی «اولین و بهترین» مجموعه شاخص‌ها نیستند. این پروژه بر اساس طراحی بزرگی نیست که با سؤال ذیل شروع شده باشد: «چگونه می‌شود محیط کسب و کار را در تمام کشورها در طول زمان به طور کامل ارزیابی کرد؟» در عوض، این پروژه تمایل دارد تا به عنوان فعالیت کارآفرینی از جزء به کل، داده‌ها را پردازش کند، فرصت‌ها را برای افزودن شاخص‌هایی خاص به کار بگیرد و از قضاوت‌های قیاسی فراوانی استفاده کند. در حین کار که پروژه کسب و کار رشد می‌کند و تکمیل می‌شود (که این مهم نیازمند پیدا شدن منابع بیشتر خواهد بود)، می‌تواند دیدگاه جامع‌تری از محیط کسب و کار را به نمایش بگذارد. در حال حاضر، خلأهای قابل توجهی در نگاه به تصویر کلان از محیط کسب و کار وجود دارد که شامل منظری وسیع‌تر از زیرساخت، سیاست رقابت، سیاست‌های تجاری و بسیاری جنبه‌های دیگر مقررات همچون سلامت و امنیت محل کار می‌شود.

هیچ کدام از این مسائل برای استفاده کننده آگاه که بر این مسائل واقف است و می تواند از داده ها طبق آن استفاده کند، نباید مشکلی ایجاد کند. اما روزنامه نگاران رتبه بندی ها و شاخص های کسب و کار را به گونه ای تفسیر می کنند که بر اساس آن، این داده ها را تصویری کامل و جامع از محیط کسب و کار ارائه می دهند.

اگر رتبه بندی کسب و کار همبستگی زیادی با تفاوت های محیط کسب و کار داشته باشد، این محدودیت ها ممکن است چندان اهمیتی نداشته باشد. در حقیقت، هر کسی ممکن است انتظار داشته باشد چنین همبستگی قوی ای بین تمام شاخص ها باشد و وضعیت کلی هر منطقه را نشان دهد. برای برخی از اهداف، این سطح از کلیت کافی است. این حقیقت که سنگاپور در رتبه بندی گزارش کسب و کار ۲۰۱۵ حائز رتبه اول است در واقع این پیام را منتقل می کند که سنگاپور عملکردش کمی بهتر از سوئد است و احتمالاً چندان نکته ای درباره سطح کیفی بیان نمی کند؛ وضعیت دو کشور به گونه ای است که باعث رشد و شکوفایی از طریق روش های متنوعی می شوند. به همین اندازه، این حقیقت که چاد و لیبی وضعیتی نابسامان دارند، احتمالاً چندان تأثیری بر ترکیب شاخص هایی که برای ساخت این گزارش انتخاب شده اند ندارد.

برای انجام وظیفه اصلی که اتخاذ تصمیم برای ایجاد یا اصلاح قوانین است، در دستور کار سیاست عمومی، دانستن اینکه رتبه بندی کل یک کشور در کجا قرار می گیرد می تواند شروعی مفید باشد. اما زمانی که بحث به جنبه هایی خاص از تصمیمات اصلاحی تبدیل شود، جزئیات مورد اهمیت هستند. حائز اهمیت است که هیچ شاخص خاصی کور کورانه دنبال نشود، چرا که همیشه این پرسش مطرح است که آیا رتبه بندی های تفکیک شده کسب و کار به خوبی نشان دهنده اولویت ها برای اتخاذ سیاست هستند یا خیر. همچنین باید به خاطر داشته باشیم که سیاست های اصلاحی می توانند اثرات مختلف در جنبه های گوناگون داشته باشند، مانند اتخاذ سیاست برای تسریع در روند تصمیم گیری دادگاه ها و آموزش و کلاهی لایق تر که دارای اثرات اقتصادی و غیراقتصادی هستند.

۴-۲. اعتبار شاخص ها

شاخص های کسب و کار برای کارهای پژوهشی مزیت محسوب می شوند. بسیاری از مطالعات اقتصادی (شامل برخی از مطالعات انجام شده توسط نویسنده) از شاخص های کسب و کار به عنوان متغیرهای مستقل یا وابسته در رگرسیون استفاده می کنند. در این خصوص، جدول شماره ۳ برخی از

مطالعاتی را که از شاخص‌های کسب و کار به عنوان متغیر مستقل و وابسته در رگرسیون استفاده کرده‌اند نشان می‌دهد. هیچ مبنای علمی‌ای برای انتخاب این مطالعات وجود ندارد جز اینکه تمام مطالعاتی که در جدول ذکر شده‌اند، نشان می‌دهند که باید به مطالعات تجربی آتی، چه در جهت بهتر شدن یا بدتر شدن، توجه نشان داد. در هر مورد، نویسنده‌ها الگوهایی گزارش می‌دهند که در مقام مقایسه در تمامی کشورها خود را نشان داده است. در بیشتر موارد، نگرانی این است که آیا شاخص مورد بررسی با کل بنگاه یا سطحی خاصی از بنگاه همبستگی دارد؟ و آیا اگر آن شاخص به عنوان متغیر وابسته استفاده شود، شاخص‌ها با ویژگی‌ها، تاریخ یا نهادهای آن کشور همبستگی دارند؟

هر کدام از مطالعات فوق گزارشی را ارائه می‌دهد که در آن جزئیات را به طور مفصل شرح می‌دهد. برای نشان دادن بخشی از این جزئیات، مراجعه کنید به مقاله بسیار مهم دجانکو^۱، مکلیش^۲ و شلیفر^۳ (۲۰۰۷) که در جدول شماره ۳ قرار گرفته است. این مقاله همبستگی‌های میان شاخص‌های اخذ اعتبار و طیفی از پیامدهای بازار اعتباری را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان مذکور در این مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که حمایت از اعتباردهنده، همراه با وجود مؤسساتی که اطلاعات را به اشتراک می‌گذارند، در کشورهای مختلف با نسبت بالاتری از اعتبار خصوصی به تولید ناخالص داخلی ارتباط دارند. به نظر می‌رسد این همبستگی‌ها به طور نسبی در کشورهایی با درآمد بالاتر از اهمیت بیشتری برخوردارند. همچنین در مقاله فوق‌الذکر نویسندگان متوجه شدند که همبستگی‌های عمیقی بین منابع قانونی یک کشور (به طور خاص، چه به عنوان حقوق عرفی کشور برداشت شود که بیشتر روی قراردادهای خصوصی تکیه می‌کنند، چه حقوق مدنی کشور که بیشتر روی مقررات و مالکیت دولتی تکیه کرده‌اند) و شاخص‌های اخذ اعتبار وجود دارد.

این یافته با توجه به مباحث مطرح‌شده، اهمیت اصلاحات در بازار اعتباری و ارزش آن را نشان می‌دهد. همچنین این مسئله را مطرح می‌کند که آیا نظام‌های قانونی به حمایت از اعتباردهنده منجر می‌شوند خیر. یافته‌ها از جذابیت بالایی برخوردارند. این تفکر که نتایج سیاستی قوی می‌تواند از

1. Djankov
2. McLiesh
3. Shleifer

تک مطالعه ای از این دست فراهم آید، اشتباه است. گرچه ممکن است بر این نظریه تأثیر گذار باشد که چه چیزهایی در پیشبرد چهارچوب قانونی برای اعتبار مهم است.

این حقیقت که در تحقیقات آکادمیک فراوانی از شاخص های کسب و کار بانک جهانی استفاده شده می تواند مؤید این مطلب باشد که این شاخص ها به طور بدیع می توانند در مباحث سیاستی به کار روند. به طور کلی، عدم وجود همبستگی قوی میان شاخصی که به عنوان متغیر وابسته به کاررفته و نتایج به دست آمده در رگرسیون این شک را ایجاد می کند که آیا سیاست گذاران باید از شاخص های کسب و کار در سیاست گذاری ها استفاده کنند یا خیر. از سوی دیگر، یافتن همبستگی قوی اغلب دعوی قابل طرحی برای استفاده از ابزار سیاستی خاصی ایجاد می کند. هر دو ادعا باید با احتیاط مورد بررسی قرار گیرند. تمامی معیارهای نگرانی و احتیاط های استفاده از روش های رگرسیون برای سیاست گذاری مربوط به زمانی است که از شاخص های کسب و کار استفاده می شود. همواره این سؤال مطرح است که آیا شاخص های کسب و کار استفاده شده، ملاک دقیقی برای اندازه گیری هستند؟ آیا متغیرهای مستقل برونزا هستند؟ قابل ذکر است که همبستگی های به دست آمده در این روش با انتقادهایی مواجه است. برای مثال، کنترل طیف وسیعی از متغیرهای حذف شده در رگرسیون های مقطعی معمولاً مشکل ساز است.

جدول ۳. گزیده ای از مطالعاتی که از شاخص های کسب و کار استفاده کرده اند

شاخص کسب و کار به عنوان متغیر وابسته یا متغیر مستقل؟	یافته (های) اصلی	نویسنده / سال / عنوان
متغیر مستقل متغیر وابسته	وضع مقررات بیشتر با افزایش میزان فساد، سطح بیشتری از اقتصاد غیررسمی، کاهش محدودیت های اجرایی و حقوق سیاسی وابستگی دارد.	دجانکو، لا پورتا، لویز-دو-سیلانس، شلیفر، ۲۰۰۲، «مقررات داخلی»
متغیر مستقل متغیر وابسته	اندازه شاخص حمایت قانونی از سهام داران خرد در برابر سلب مالکیت ها با توسعه مالی همبستگی مثبت دارد.	دجانکو، لا پورتا، لویز-دو-سیلانس، شلیفر، ۲۰۰۸، «قانون و اقتصادهای مبتنی بر رانت»
متغیر مستقل متغیر وابسته	حقوق عرفی با سطح بالاتری از حقوق اعتباری ارتباط دارد؛ در حالی که در قانون فرانسه با سطوح بالاتری از ثبت مالکیت عمومی وابستگی دارد. افزایش حقوق اعتباری و افزایش مالکیت عمومی با نسبت بالاتری از اعتبار خصوصی به تولید ناخالص داخلی وابستگی دارد.	دجانکو، مکلیش، شلیفر، ۲۰۰۷، «اعتبار خصوصی در ۱۲۹ کشور»

ادامه جدول ۳. گزینه‌های از مطالعاتی که از شاخص‌های کسب و کار استفاده کرده‌اند

شاخص کسب و کار به‌عنوان متغیر وابسته یا متغیر مستقل؟	یافته(های) اصلی	نویسنده/سال/عنوان
متغیر مستقل متغیر وابسته	اینکه رویه‌های قانونی تا چه حد منجر به حل اختلاف گردند به سابقه اختلافات، قدرت اجرائی کمتر و سطح بالاتری از فساد وابسته است.	دجانکو، لا پورتا، لویز-دو-سیلانس، شلیفر، ۲۰۰۳، «دادگاه‌ها»
متغیر مستقل متغیر وابسته	کشورهایی که دارای قوانین اجرائی و سیستم قضایی بهتری هستند قادر به تولیدات خاصی هستند که در سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشند	نان، ۲۰۰۷، «ارتباطات ویژه، قراردادهای ناقص و الگوی تجارت»
متغیر مستقل متغیر وابسته	نسبت مشارکت بنگاه‌های تولیدی در صنایع پیشرفته در کشورهایی که هزینه‌های قانونی بالاتری دارند کمتر است.	کلایپر، لیون، راجان، ۲۰۰۶، «مقررات داخلی مانعی برای کارآفرینی.»
متغیر مستقل متغیر وابسته	شاخص کارایی وصول بدهی با درآمد سرانه و نهادهای قانونی وابسته است.	دجانکو، هارت، مکلیش، شلیفر، ۲۰۰۸، «وصول بدهی در نقاط مختلف دنیا.»
متغیر وابسته	کشورهای دارای سابقه مناقشات خارجی دارای حقوق اعتباری قوی‌تر و شفافیت اعتباری بیشتری هستند اما هیچ نهاد حمایتی از سرمایه‌گذار وجود ندارد.	بزلی، پیرسون، ۲۰۰۹، «ظرفیت دولت: حقوق مالکیت، سیستم مالیاتی و سیاست‌گذاری»
متغیر مستقل	کشورهایی که مدت زمان بیشتری را صرف مباحث قراردادی خود می‌نمایند، وابستگی کمتری به سهام ممتاز خود دارند و در عوض تمایل بیشتری به استفاده از وام‌ها در ساختار سرمایه‌گذاری خود دارند.	لرنر، شور، ۲۰۰۵، «آیا اجرای قوانین، معاملات مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؟ تأثیر نوع قراردادها بر سهام خصوصی.»
متغیر مستقل	قراردادهای اجرائی متقابل (بین‌کشوری) مترادف با کاهش نوسانات بیشتر در رشد اقتصادی است.	کولی، ماریمون، کوآدرینی، ۲۰۰۴، «نتایج کلی قراردادهای اجرائی محدود.»
متغیر مستقل	حقوق اعتباری قوی‌تر در برابر بدهکاران متخلف با وام‌های کلان، زمان سررسید طولانی‌تر و کاهش وام‌ها ارتباط دارد.	بائسه، گوئیال، ۲۰۰۹، «حقوق اعتباری، ضمانت اجرائی و وام‌های بانکی.»
متغیر مستقل	خوداظهاری داوطلبانه‌ی عمومی توسط شرکت‌های حسابرسی در کشورهای دارای عملکرد بهتر سیستم‌های قانونی، رایج‌تر است.	برگلوب، پاجوسته، ۲۰۰۵، «بنگاه‌ها چه چیزی را افشا می‌کنند و چرا؟ اجرای نظارت صنفی و شفافیت در اروپای مرکزی و شرقی.»
متغیر مستقل متغیر وابسته	کشورهایی با مقررات دست و پاگیر کمتر دارای رونق صنعتی بیشتر و بهره‌مندی از تقاضای جهانی بالاتر و گسترش تکنولوژی می‌باشند.	کیکون، پاپایونو، ۲۰۰۷، «مقررات دست و پاگیر و تأخیر در جریان ورود به صنعت»
متغیر مستقل متغیر وابسته	تأثیر مثبت یک اقتصاد باز (آزاد) بر درآمد سرانه زمانی کاهش می‌یابد که مقررات دست و پاگیر زیادی در اقتصاد وجود داشته باشد.	فرنون، بولاکی، ۲۰۰۸، «تجارت، مقررات و درآمد.»

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مزایای وجود یک دولت صلاحیت دار این است که با به کارگیری شاخص های کسب و کار در اتخاذ سیاست ها نتایج مثبتی را به دست می آورد. به علاوه، با توجه به چارچوب های تعریف شده برای پروژه کسب و کار (نوعی خاص از مؤسسه در بزرگ ترین شهر تجاری)، انتظار خطای سنجش به طرز قابل توجهی افزایش می یابد؛ زیرا این اندازه گیری خاص از فضای کسب و کار به دلیل عدم تناسب با شرایط موجود ممکن است فضای کسب و کار حقیقی را نشان ندهد.

فرض معمول بر این است که خطای اندازه گیری به سمت حداقل تورش همبستگی که صفر است میل نماید (در این نمونه بین شاخص های فضای کسب و کار و میزان کارایی بنگاه ها).

اگر شاخص های کسب و کار با ترکیب شرکت های تجاری مرتبط باشند در صورتی که در تعداد اندکی از بنگاه ها شاخص های کسب و کار اعمال شود، نتیجتاً خطای اندازه گیری به صورت تصادفی توزیع نشده و اندازه تورش قابل پیش بینی نخواهد بود. این دیدگاه تحت عنوان همبستگی های متناقض در جدول شماره ۲ ارائه خواهد شد.

اثرات علی شناسایی شده غالباً تحت عنوان استاندارد طلایی به منظور ارزیابی بیشتر سیاست ها به کار گرفته می شوند. حتی اگر بتوان بر مشکلات مربوط به درون زایی و تورش متغیرهای حذف شده غلبه کرد، اثرات علی شناسایی شده در بسیاری موارد محدود کننده ریزنی برای اتخاذ سیاست گذاری ها هستند. در ابتدا، تمایل به سوق به میانگین تأثیرات وجود دارد، در حالی که در عمل، منابع ناهمگون مهمی وجود دارد که اثر اصلاح سیاستی را در زمینه ای خاص تحت تأثیر قرار می دهد. ثانیاً، ارتباط علی متقاعد کننده ای بین یک شاخص معین و نتیجه مطلوب ایجاد شده وجود دارد که نیاز به اصلاحات در این بعد از سیاست نیست و زمانی که ظرفیت های محدودی برای اصلاحات وجود دارد، بهتر است مهم ترین اصلاحات اولویت آن کشور باشد. ثالثاً، هیچ ضمانتی وجود ندارد مبنی بر اینکه اگر اصلاحات انجام شود به طور مؤثری نیز اجرا خواهند شد.

در پایان، نکته مهمی که باید به خاطر داشت این است که شاخص های کسب و کار بانک جهانی صرفاً فرایندهای رسمی و قانونی را ارزیابی می کنند. در حالی که ساختارهای نهادی خارج از نظام قانونی، بسیار متنوع هستند. برای مثال در چین ساختارهای رسمی ضعیف هستند، اما مکانیسم های دیگر منجر به سرمایه گذاری خصوصی می شوند. شواهد به دست آمده از رگرسیون در تلاش برای

اخذ چنین اطلاعاتی است. به علاوه، کیفیت نهادهای قانونی و رسمی و آمارهای مربوط به بخش غیررسمی ممکن است به صورت مشترک شرایط را برای تصمیم‌گیری دشوار نماید.

با در نظر گرفتن این نگرانی‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که استفاده از نتایج منتج شده از رگرسیون به منظور مهم جلوه دادن شاخص‌های کسب و کار بانک جهانی ارزش چندانی نخواهد داشت. اما این نتایج تنها به دنبال این هستند تا بیان کنند شواهد چگونه جمع‌آوری شده و چگونه در شکل‌گیری اندیشه‌ها و نظرات مورد استفاده قرار خواهند گرفت. شواهد منتج شده از رگرسیون به عنوان بخشی از داستان که اصول نظری و داده‌ها را با هم ترکیب می‌کنند، اهمیت دارند هر چند که لزوماً ممکن است از دیدگاه مباحث دقیق علی‌جذابیت نداشته باشد. حتی اثرات علی‌شناسایی شده که غالباً چشم‌اندازی یک‌بعدی از مباحث مهم سیاستی را ارائه می‌دهند، به گروهی از فرضیه‌های قوی و آزمون‌نشده نیاز دارند. همبستگی‌های مشاهده‌شده و تفسیرهایشان در مباحث مرتبط با اصلاح سیاستی عمومی در بیشتر مواقع از اهمیتی خاص برخوردارند.

۴-۳. تمایل به مقررات زدایی؟

انتقادی که دائماً شنیده می‌شود این است که شاخص‌های کسب و کار تمایل به مقررات زدایی دارند. این بدین معنی است که سطوح پایین‌تر مقررات به امتیازات و رتبه‌بندی‌های بهتری ختم می‌شود. در وضعیت ایده آل، تفکیک مقررات در وضعیت موجود و وضعیت بهینه باید ممکن باشد؛ برای مثال، داده‌ها می‌توانند نشان دهند که استخدام یا اخراج نیروی کار در کدام کشور مشکل‌تر است، بدون اینکه نیاز باشد تا به نتایج سیاست‌گذاری‌ها اشاره شود. هرچند، اگر پایشی در رتبه‌بندی قرار بگیرد، باید نشان‌دهنده عملکرد بهتر یک کشور نسبت به سایر کشورها در آن شاخص باشد.

تشخیص این ادعا که تمایل به مقررات زدایی وجود دارد، به منظور ارزیابی کار سختی است. برخی از موارد خاص در رتبه‌بندی‌های کسب و کار بیش از شایستگی قوانین، کارایی دولت مدنظر است. برای مثال، سخت است که بگوییم شناسایی فرایندهای زمان‌بر همراه با صرف هزینه‌های زیاد برای کسانی که می‌خواهند بنگاه جدیدی راه‌اندازی کنند یا ثبت مالکیت تجاری انجام دهند یا مشغول به تجارتي بین‌المللی شوند یا مجوز ساخت و ساز اخذ کنند، مهم است. در موارد دیگر، مثل ارزیابی خوداظهاری مالیاتی توسط بنگاه‌ها، کارکرد قوانین ورشکستگی و به‌اشتراک‌گذاری

اطلاعات اعتباری، به نظر می‌رسد شاخص‌های کسب و کار بیشتر با کیفیت نهادهای مؤثر سروکار دارند تا با تمایل به مقررات زدایی.

در کل پروژه کسب و کار بانک جهانی بر این باور استوار است از قوانین ضعیف و نظام حقوقی غیر مؤثر، کارایی بنگاه‌های اقتصادی را مختل کرده و سبب کاهش سطح اشتغال و افزایش فقر خواهد شد. این دیدگاه بر انتخاب شاخص‌ها و روشی که داده‌ها جمع‌آوری می‌شوند تأثیر می‌گذارد. اما بحث بر سر اینکه این مسئله سبب ایجاد تمایل به سمت مقررات زدایی خواهد شد، اغراق‌آمیز است.

بزرگ‌ترین بحث در گرفته بر سر تمایل به مقررات زدایی بالقوه در شاخص استخدام کارکنان که سهولت استخدام و اخراج کارکنان و افزایش ساعات کار را بررسی می‌کرد ایجاد شد. قوانین بازار کار شدیداً ماهیت سیاسی دارد و شدت آن به حدی است که شاخص‌های مرتبط با به‌کارگیری نیروی کار را در گزارش‌های کسب و کار جهانی از رتبه‌بندی حذف کرده است (سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۷) بر سر این تغییر مجادله داشته است). گرچه حتی بدون رتبه‌بندی مناسب از مقررات بازار کار، باز هم چشم‌اندازی متفاوت برای کار در این زمینه وجود دارد. برای مثال، موفقیت مقررات کار می‌تواند بر پایه شاخص‌هایی سنجیده شود که باعث ایجاد شغل بیشتر در یک یا چند جنبه و کاهش حمایت از کارگران در جنبه‌های دیگر شود، بدون اینکه تلاش کند تا در مصالحه‌های میان دو هدف موضعش را به طور خاص تعیین کند. در حقیقت، گزارش توسعه جهانی (بانک جهانی، ۲۰۱۲) رویکردی نسبتاً وسیع‌تر برای مسائل بازار کار در نظر گرفته است تا در شاخص‌های کسب و کار برای کارکنان استخدام‌شده شفافیت بیشتری داشته باشد.

۵. اقتصاد سیاسی نتایج جمع‌آوری داده‌ها

درک این قضیه که چرا پروژه کسب و کار، مؤثر و بحث‌انگیز است مشکل نیست. گروهی از دانش‌گامیان که از داده‌های گزارش کسب و کار استفاده کردند، که منجر به چاپ در مجلات معتبر شده و این مسئله به پروژه اعتباری علمی می‌بخشد.

سیاست‌گذاران به رتبه‌بندی‌ها رجوع می‌کنند و حتی آن‌ها را به‌عنوان هدف‌های سیاسی برمی‌گزینند و این مسئله به پروژه برتری می‌دهد. شهروندان نگران و سازمان‌های مدنی نیز از این داده‌ها استفاده می‌کنند؛ و همین، پروژه را در مرکز بحث‌های جهانی قرار می‌دهد. نهایتاً، داده‌ها با

مسائلی روبرو می‌شوند و وارد بحث‌هایی عمیق درباره نقش دولت در توسعه اقتصاد می‌شود. این مسئله برای پروژه از بعد سیاسی مسئولیت ایجاد می‌کند.

گزارش کسب و کار و مباحث مربوط به آن، اهمیت نقشی را که جمع‌آوری و انتشار داده‌ها در سیاست‌گذاری ایفا می‌کند، برجسته می‌سازد.

نقش حساب‌های درآمد ملی به عنوان ابزاری برای مدیریت اقتصادی کم‌رنگ شده است. در خصوص آمار فقر، تمایل به ارزیابی فرایندهای اجتماعی و اقتصادی به اندازه بازمینی موفق سیاست‌ها اهمیت دارد. پروژه کسب و کار، داده‌ها را به عنوان مبنایی برای بررسی دقیق سیاست‌ها و بازمینی فرایندها گردآوری می‌کند. همان‌طور که گفته شد، زمانی که گزارش کسب و کار سالانه در حال انتشار رتبه‌ها و حدنصاب‌ها است، این تصور که جمع‌آوری و ارائه داده‌ها صرفاً فرایندی فنی است ساده‌انگارانه است. شاخص‌های کسب و کار بخشی از مباحث سیاسی هستند، از این رو پتانسیل تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها را دارند.

این شاخص‌ها توسط دولت‌هایی استفاده می‌شوند که اهدافشان را بر مبنای بانک جهانی، سازمان‌های چندجانبه و نیز آژانس‌های کمک‌های خارجی تنظیم کرده‌اند.

تقابل بین داده‌ها و سیاست می‌تواند مشکل‌ساز باشد. یکی از نگرانی‌های معمول این است که امکان دارد سیاست‌گذاران به جای مواجهه با چالش‌های جدی، بیشتر به دنبال غیرواقعی جلوه دادن شاخص‌ها باشند. این رویداد در زمینه‌های دیگر به خوبی قابل درک است و تحت عناوین مختلفی شناخته می‌شود. برای مثال قانون کمپبل^۱ (۱۹۷۶، ص ۴۹) بیان می‌کند: «تمام شاخص‌های کمی - اجتماعی (یا حتی برخی شاخص‌های کیفی) هر چه بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی استفاده شود، زمینه بیشتری برای اعمال فشار ایجاد خواهند کرد و تمایل به تحریف و ایجاد خلل در مورد آن دسته از فرایندهایی که به منظور نظارت در نظر گرفته شده‌اند افزایش خواهد یافت.» مطلب دیگر قانون گودهارت^۲ (۱۹۸۱، ص ۱۱۶) است: «تمام قواعد آماری مورد استفاده که در حین کنترل اهداف تحت فشار قرار می‌گیرند، گرایش به فروپاشی خواهند داشت.» این خطر زمانی مورد اهمیتی

1. Campbell's law

2. Goodhart's law

خاص قرار می‌گیرد که شاخصی خاص جنبه سیاسی به خود گرفته و از این جهت در چشم سیاست‌گذاران برجسته شوند. پس از آن به شاخص‌های خاص و منحصر به فرد اعتمادی نخواهد بود. در موضوع شاخص‌های کسب و کار، مسئله مورد طرح این است که سیاست‌گذارانی که خواهان بهبود رتبه کسب و کار هستند ممکن است تغییراتی موقتی در قوانین ایجاد کنند که ارزش حقیقی محدودی داشته باشد. مثال واضح این مطلب کشور رواندا است که با وجود رتبه ۴۷ در کسب و کار ۲۰۱۵ (که بهتر از ایتالیا است) دارای درآمد سرانه ملی زیر ۱۰۰۰ دلار بوده و بیش از ۴۰ درصد از جمعیتش در فقر زندگی می‌کنند. در این خصوص به منظور فریب اذهان عمومی از شاخص‌هایی استفاده می‌شود که با روشی کاملاً ساده به خودی خود ارزش تغییرات را ارزیابی کنند. هرگونه مباحثه سیاسی قوی باید با تکیه بر ارزیابی‌های گسترده‌تر از تغییرات ایجادشده در رتبه‌بندی‌های موجود در گزارش‌های کسب و کار جهانی باشد. آن دسته از این مباحث که اهداف استراتژیک قوی دارند، بسته به اهداف سیاسی‌شان، محدودیت داده‌ها را یا نادیده گرفته یا آن را بزرگ جلوه می‌دهند. یکی از نقش‌های اقتصاددان‌های حرفه‌ای کمک به حفظ تعادل استانداردهای تجزیه و تحلیل متعادل شده است.

نگرانی اساسی‌تر درباره اقتصاد سیاسی این است که آیا بانک جهانی نقشی قانونی در گردآوری و انتشار این گونه داده‌ها دارد؟ همچنان که گزارش کسب و کار به یک گزارش تأثیرگذار جهانی تبدیل می‌شود، میزان پاسخ‌گویی در قبال داده‌ها و فرایندهای ناظر بر این داده‌ها و شاخص‌ها بیشتر می‌شود. در سیستم دموکراتیک، جمع‌آوری داده‌ها و اهداف آن‌ها و نتایج صحت و سقم مربوط به آن‌ها باید به این روش باشد.

با اینکه سازمان‌های آماری در بسیاری از کشورها از درجه‌ای از آزادی برخوردارند تا بدین وسیله میزان اثربخشی خود را افزایش دهند، در نهایت جواب‌گوی اقداماتی هستند که انجام می‌دهند.

پاسخ‌گو بودن در خصوص آمارهایی که خارج این سیستم جمع‌آوری شده، بحث‌انگیز است. برای مثال، سازمان‌ها و نهادی غیردولتی نظیر سازمان شفافیت بین‌الملل، خانه آزادی، سازمان عفو بین‌الملل و بنیاد هریتج، با جمع‌آوری داده‌ها به صورت هدفمند و ارائه آن‌ها، به دنبال این مهم هستند که مجدداً بر سیاست‌ها تأثیر بگذارند.

در چنین مواردی، غالباً مسئولیت پاسخ‌گویی در خصوص روش‌های مورد استفاده و صحت و سقم آن‌ها نامعلوم است. به علاوه، این حقیقت که داده‌های موجود ممکن است تحت خط‌مشی سیاستی خاص توسط یک سازمان گردآوری شده باشند، ممکن است شک کاربران را در خصوص استقلال فرایند جمع‌آوری داده‌ها افزایش دهد.

با وجود اینکه بانک جهانی یک نهاد مسئول نیست اما در عوض مسئولیت دولت‌هایی را که عضو این نهاد هستند از طریق هیئت‌مدیره به عهده دارد. همچنین سازمان‌های مدنی متعددی بر عملکرد بانک جهانی نظارت کرده و مکرراً آن را نقد می‌کنند. این واقعیت ممکن است به طرز فزاینده‌ای انجام فعالیت‌های بحث‌برانگیز را سخت کند، مانند پروژه کسب‌وکار که در حیطه وظایف بانک جهانی قرار دارد. گرچه فراهم آوردن سرمایه برای پروژه‌های توسعه‌ای، بخش اصلی از فعالیت‌های بانک جهانی محسوب می‌شود، اما این نهاد منحصراً به روی این فعالیت‌ها تمرکز ندارد. همچنین این سازمان در توسعه داده‌ها و ایده‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند و اگر همیشه عقب‌نشینی از مباحثه را انتخاب کند، اثربخشی خود را از دست می‌دهد. بانک جهانی حامی طیف وسیعی از طرح‌های مبتنی بر داده‌های آماری است: به‌عنوان مثال، از دهه ۸۰ میلادی، در حال گردآوری داده‌های مبتنی بر سنجش استانداردهای زندگی و نیز جمع‌آوری داده‌های ارزشمند در خصوص خانوارها در تمامی کشورها بوده است. از دهه نود میلادی نیز در حال بررسی و جمع‌آوری آمار مربوط بنگاه‌ها است.

پروژه کسب‌وکار و گزارش‌های سالانه منتج‌شده از آن بخشی از تکالیف بانک جهانی به‌عنوان یک نهاد توسعه‌ای بین‌المللی است. به‌علاوه، دلایلی منطقی برای جمع‌آوری داده‌ها به روش سیستماتیک وجود دارد که اقدام به مقایسه کشورها در طول زمان می‌کند. پروژه کسب‌وکار همواره در کانون توجه منتقدین قرار دارد؛ لذا داده‌ها بهتر است با توضیحی مناسب ارائه شوند. نکته حائز اهمیت این است که افرادی که خط‌مشی سیاسی خاصی ندارند بهتر است بر این پروژه نظارت مستقلی داشته باشند. این حقیقت که داده‌ها می‌توانند مورد سوءاستفاده قرار بگیرند و یا در مواردی امکان تغییر مصالح سیاسی را دارند، دلایل منطقی و کافی برای عدم جمع‌آوری و ارائه این داده‌ها نیست. داده‌ها تعریفی مهم برای مسئولیت‌های دموکراتیک در کشورهایی است که ممکن است فشارهای دموکراتیک اعمال شود. این بینش بر این نکته دلالت دارد که گزارش کسب‌وکار

مؤثرترین ابزار نویدبخش تغییرات سیاستی کشورهایی است که علاقه مند به ایجاد اصلاحات سیاستی هستند.

رتبه بندی های کسب و کار در کشورهایی که دارای ابزاری برای مهار کردن و متعهد کردن دولت ها هستند، تأثیر کمتری دارد؛ زیرا در این کشورها در مواقع لزوم داده های جایگزینی ارائه می شود. بسیاری از کشورهای در حال توسعه جهان که حکومت های سرکوب گری دارند، آزادی بیان را محدود ساخته اند، در چنین کشورهایی داده ها به آسانی در فرایند پاسخ گویی ثبت نمی شوند. چنین اتفاقی اغلب در بخش هایی که به صورت ضعیف نهادینه شده اند رخ می دهد (در این نوع دولت ها کمتر به خواسته های شهروندان توجه می شود؛ لذا بیشترین اعتراض ها به جمع آوری داده ها و نحوه انتشارشان در این کشورها دیده می شود). هرچند دسترسی به اینترنت و رسانه های جمعی، کار محدودسازی دسترسی به داده ها را برای حکومت ها سخت تر کرده است.

با وجود انواع داده های اقتصادی در پروژه های کسب و کار، بدون درک جزئیات این پروژه و اینکه داده های موجود چگونه جمع آوری شده اند و چه مواردی را اندازه گیری می کنند، نمی توان از داده های پروژه استفاده کرد. اما با وجود ایرادات بدیهی و مشکلات رو به افزایش، پروژه کسب و کار به دنبال اندازه گیری مسائلی است که حتی اقتصاددان ها نیز قبل از شروع پروژه تقریباً چیزی در مورد آن ها نمی دانستند. مباحثه بر روی اینکه داده ها چه چیزی را می توانند نشان دهند و چه چیزی را نمی توانند نشان دهند، نباید به عنوان نقص قلمداد شود. هیچ کدام کار را بی اعتبار نمی کنند. باید مباحثه را به عنوان بخشی مفید و حیاتی برای افزایش کارایی سیاست گذاری های دولت نشان داد. چنین مباحثی نشان دهنده این است که سنجش متغیرهای کلیدی چطور می تواند بحث های سیاسی مهم را برانگیزد و به پیشبرد تأثیر ایده های اقتصادی کمک کند.

منابع و مأخذ:

- Acemoglu, Daron, Simon Johnson, and James A. Robinson. (2001). "The Colonial Origins of Comparative Development: An Empirical Investigation." *American Economic Review*, vol. 91(5), pp. 1369–1401.
- Acemoglu, Daron, and James A. Robinson. (2012). *Why Nations Fail: The Origins of Power, Prosperity, and Poverty*. New York: Crown.
- Adelaja, Tai. (2012). "Vladimir Putin Aims to Boost Russia's Investment Climate." *Telegraph*. June 15, 2012. Supplement produced and published by Rossiyskaya Gazeta.

- **Bae, Kee-Hong, and Vidhan K. Goyal.** (2009). "Creditor Rights, Enforcement, and Bank Loans." *Journal of Finance* 64(2): 823–60.
- **Berglöf, Erik, and Anete Pajuste.** (2005). "What Do Firms Disclose and Why? Enforcing Corporate Governance and Transparency in Central and Eastern Europe." *Oxford Review of Economic Policy*, vol. 21(2), pp. 178-97.
- **Besley, Timothy, and Anne Case.** (1995). "Incumbent Behavior: Vote-Seeking, Tax-setting, and Yardstick Competition." *American Economic Review*, vol. 85(1), pp. 25–45.
- **Besley, Timothy, and Torsten Persson.** (2009). "The Origins of State Capacity: Property Rights, Taxation, and Politics." *American Economic Review*, vol. 99(4), pp. 1218–44.
- **Besley, Timothy, and Torsten Persson.** (2011). *Pillars of Prosperity: The Political Economics of Development Clusters*. Princeton University Press.
- **Besley, Timothy, and Torsten Persson.** (2014). "The Causes and Consequences of Development Clusters: State Capacity, Peace and Income." *Annual Reviews of Economics*, vol. 6, pp. 927–49.
- **Buerkle, Tom.** (2015). "Prime Minister Narendra Modi Has High Hopes for India." *Institutional Investor*. January 28.
- **Campbell, Donald T.** (1976). "Assessing the Impact of Planned Social Change." The Public Affairs Center, Dartmouth College, Hanover New Hampshire, USA.
- **Ciccone, Antonio, and Elias Papaioannou.** (2007). "Red Tape and Delayed Entry." *Journal of the European Economic Association*, vol. 5(2–3), pp. 444–58.
- **Cooley, Thomas, Ramon Marimon, and Vincenzo Quadrini.** (2004). "Aggregate Consequences of Limited Contract Enforceability." *Journal of Political Economy*, vol. 112(4), pp. 817–47.
- **Djankov, Simeon, Oliver Hart, Caralee McLiesh, and Andrei Shleifer.** (2008). "Debt Enforcement around the World." *Journal of Political Economy*, vol. 116(6), pp. 1105–1149.
- **Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopes-de-Silanes, and Andrei Shleifer.** (2002). "The Regulation of Entry." *Quarterly Journal of Economics*, vol. 117(1), pp. 1–37.
- **Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer.** (2003). "Courts." *Quarterly Journal of Economics*, vol. 118(2), pp. 453–517.
- **Djankov, Simeon, Rafael La Porta, Florencio Lopez-de-Silanes, and Andrei Shleifer.** (2008). "The Law and Economics of Self-Dealing." *Journal of Financial Economics*, vol. 88(3), pp. 430–65.
- **Djankov, Simeon, Caralee McLiesh, and Andrei Shleifer.** (2007). "Private Credit in 129 Countries." *Journal of Financial Economics*, vol. 84(2), pp. 299–329.
- **Easterly, William.** (2013). *The Tyranny of Experts: Economists, Dictators, and the Forgotten Rights of the Poor*. Basic Books.

- **Freund, Caroline, and Bineswaree Bolaky.** (2008). "Trade, Regulations, and Income." *Journal of Development Economics*, vol. 87(2), pp. 309–321.
- **Glaeser, Edward L., and Andrei Shleifer.** (2003). "The Rise of the Regulatory State." *Journal of Economic Literature*, vol. 41(2), pp. 401–425.
- **Goodhart, Charles.** (1981). "Problems of Monetary Management: The U.K. Experience." *Inflation, Depression, and Economic Policy in the West*, edited by Anthony S. Courakis, pp. 111–46. Rowman & Littlefield.
- **Hallward-Driemeier, Mary, and Lant Pritchett.** (2010). "How Business is Done and the 'Doing Business' Indicators: The Investment Climate when Firms have Climate Control." Unpublished paper.
- **International Labor Organization.** (2007). "The World Bank Doing Business Report: The Employing Workers Indicator." For Debate and Guidance: Fourth Item on the Agenda, 300th Session of the Governing Body, Geneva, November 7.
- **Klapper, Leora, Luc Laeven, and Raghuram Rajan.** (2006). "Entry Regulation as a Barrier to Entrepreneurship." *Journal of Financial Economics*, vol. 82, pp. 591–629.
- **Lerner, Josh, and Antoinette Schoar.** (2005). "Does Legal Enforcement Affect Financial Transactions? The Contractual Channel in Private Equity." *Quarterly Journal of Economics*, vol. 120(1), pp. 223–46.
- **Nunn, Nathan.** (2007). "Relationship-Specificity, Incomplete Contracts and the Pattern of Trade." *Quarterly Journal of Economics*, vol. 122(2), pp. 569–600.
- **Salmon, Pierre.** (1987). "Decentralization as an Incentive Scheme." *Oxford Review of Economic Policy*, vol. 3(2), pp. 24–43.
- **Schneider, Friedrich.** (2002). "Size and Measurement of the Informal Economy in 110 Countries Around the World." Unpublished paper.
- UK Trade & Investment. (2014). "Guidance: Exporting to Peru." March 26. At Gov.uk: <https://www.gov.uk/government/publications/exporting-to-peru/exporting-to-peru>.
- World Bank. (2012). World Development Report 2013: Jobs. Washington, DC: World Bank.
- World Bank. (2014). Doing Business 2015: Going Beyond Efficiency. Washington, DC: World Bank.